نامزدهای داستان بزرگسال قلم زرین معرفی شدند



هیئت داوران بیست‌ویکمین دوره از جشنواره قلم‌زرین، نامزدهای بخش داستان بزرگسال این جشنواره را معرفی کرد. دو کتاب راه‌یافته به مرحله نهایی بخش داستان بزرگسال عبارت است از «بوماران» نوشته محبوبه حاجیان‌نژاد (انتشارات سوره مهر) و «عزرائیل: روزهای تاریک» نوشته نیما اکبرخانی (نشر کتابستان معرفت). نام کتاب برگزیده در آیین پایانی جشنواره که هم‌زمان با روز قلم در سالن اجتماعات انجمن قلم برگزار می‌شود، اعلام خواهد شد.

حمایت ۲۰۰ میلیونی از مؤلفان کتاب‌های مرجع دانشگاهی



معاون آموزشی وزارت علوم از برنامه این وزارتخانه برای حمایت ۲۰۰میلیونی از مؤلفان کتاب‌های مرجع دانشگاهی خبر داد. به‌گزارش ایسنا، دکتر قاسم عموعابدینی در حاشیه نشست خبری که به مناسبت برگزاری پنجمین اجلاس کرسی های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و نخستین اجلاس سرآمدان آموزشی در دبیرخانه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد، به نقش استادان و دانشمندان کشورمان در تولید جهانی علم اشاره کرد و گفت: برنامه‌ریزی آموزشی ای انجام شده تا دانشمندان ایرانی در هر جای جهان که بسیاری از آن‌ها انتشاراتی نیز دارند، وقتی بخش‌ها یا تمام کتاب‌های مرجع را تدوین می‌کنند، مورد حمایت ما در وزارت علوم قرار بگیرند و از گرنت‌ها و امتیازات خاص برخوردار شوند.

او تصریح کرد: سال گذشته معاونت آموزشی وزارت علوم تعدادی از کتاب هایی را که مرجع می شوند، بررسی کرد و مقداری اعتبار برای این موضوع در نظر گرفت. با مصوبه جدید این حمایت ها به ۲۰۰میلیون تومان خواهد رسید.

کارمزد کارت‌خوان نباید از کتاب‌فروشان کسر شود



معاون فرهنگی وزارت ارشاد از ورود وزیر ارشاد به مسئله کسر کارمزد کارتی از کتاب‌فروشان که طبق بخش‌نامه بانک مرکزی معاف از پرداخت هستند، خبر داد. به‌گزارش تسنیم، در پی انتقاد تعدادی از کتاب‌فروشان سراسر کشور به کسر غیرقانونی کارمزد کارتی از کتاب فروشی ها که طبق بخش نامه بانک مرکزی در فهرست مشمولان معافیت قرار دارند، یاسر احمدوند از پیگیری موضوع در سطوح بالادست خبر داد. او با تأیید این موضوع که کارمزد کارت‌خوان نباید از کتاب‌فروشان کسر شود، گفت: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درحال پیگیری این موضوع در گفت‌وگوها و مذاکرات با مسئولان در هیئت دولت است. ما نیز در معاونت فرهنگی پیگیر رفع این موضوع هستیم.

معاون فرهنگی وزارت ارشاد در پاسخ به اینکه آیا وجوه کسرشده به حساب کتاب‌فروشان بازگشت داده می‌شود، ابراز کرد: در این زمینه باید توافق کنیم، اما تلاش ما این است که این وجوه بازگشت داده شود.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستار

ناویراسته ✗

تجمع اعتراضی دانشجویان در مقابل سفارت سوئد در تهران و ابراز انزجار نسبت به هتک حرمتِ قرآن کریم در این کشور

ویراسته ✓

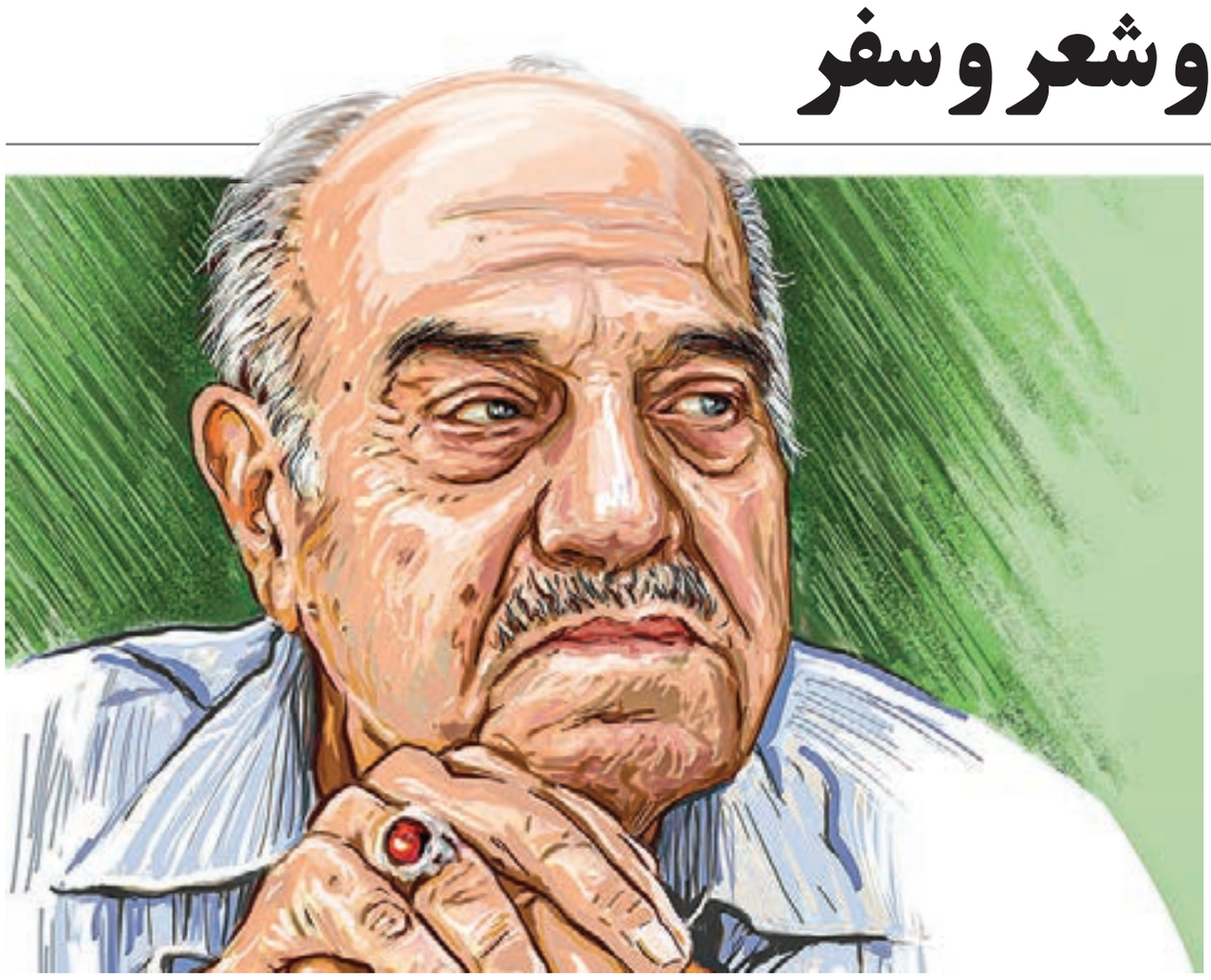
تجمع اعتراضی دانشجویان مقابل سفارت سوئد در تهران و ابراز انزجار به (از) هتک حرمتِ قرآن کریم در این کشور

نکته

بهتر است «نسبت به» را در جای خود و زمانی به کار ببریم که قرار است مقایسه‌ای انجام شود مانند:
امسال نسبت به پارسال تابستان گرم‌تری را پیش رو داریم.

#زین_قند_پارسی

مرد تجارت و شعر و سفر



طرح: آنوسا مافی



خادم

یادبود

تجارت و شعر و جهانگردی اموری بود که علی باقرزاده (بقا) دوست داشت عمرش را صرف آن کند. اگر در تجارت‌خانه‌اش نبود، سرگرم شعر بود و اگر در جمع شاعران و محفل‌ها غیبت داشت، در کشوری دور در حال سیاحت بود. تجارت و کار و کاسبی چیزی بود که به آن واداشته شده بود، پدرش زود از دنیا رفته بود و او از سال ۱۳۲۶ و در هجده‌سالگی با وجود علاقه زیاد به تحصیل مجبور شد برای اداره خانواده ترک تحصیل کند و در همان حجره پدر به کار تجارت چای بپردازد. رضا افضلی در گفت‌وگویی با شهرآرا درباره دوست دیرینش گفته بود: «مرحوم باقرزاده معتقد بود شاعری در حاشیه زندگی‌اش قرار دارد و اصل کارش این نیست. او همیشه می‌گفت شاعر اول باید نان زن و بچه خودش را تأمین کند و به زندگی‌اش برسد و در حاشیه شاعری کند، برای همین هیچ‌گاه نشانی محل کارش را به شاعران، نویسندگان و اهل ادب نمی‌داد. می‌گفت محل کار برای کار است و محل قرارومدار با شاعران در خانه.» *علی باقرزاده در سال ۱۳۴۶ که برای آبادکردن زمین‌های پدر، کشاورز نمونه شناخته شده بود، از طرف شرکت سهامی کارخانجات تولیدی ثابت خراسان که کارخانه قند فریمان هم به آن وابسته است، دعوت به همکاری شد و سرپرستی آنجا را برعهده گرفت. او ۳۷ سال عضویت هیئت مدیره و همچنین ریاست آن شرکت را عهده‌دار بود. در اوایل انقلاب، از طرف استاندار وقت برای اداره اتاق بازرگانی و صنایع بازرگانی استان انتخاب شد و در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ این مسئولیت را به عهده داشت. باقرزاده همچنین در سال ۱۳۷۸ به عضویت هیئت امنای دانشگاه فردوسی مشهد و در سال ۱۳۸۰ به عضویت هیئت امنا و ریاست هیئت مدیره بنیاد دانشگاهی فردوسی درآمد.

کشاورز نمونه «خان حاکم» و جهانگرد دنیادیده

بقا زمین‌های کشاورزی را که از پدرش به ارث برده بود، به مزرعه‌ای سرسبز بدل کرد تا علاوه بر کار تجارت از ثمرات آن بتواند رؤیاهایش را عملی کند. او از سال ۱۳۴۰ سفرهایی به آمریکا، اروپای شمالی و شرقی، آسیا، آفریقا و عراق داشت و کتاب‌هایی در قالب جهانگردی کتابت کرد.

رضا افضلی درباره فعالیت‌های کشاورزی باقرزاده گفته است: «او در منطقه جلگه‌رخ در روستایی به نام «خان حاکم» زمین‌های کشاورزی داشت که روزهای تعطیل دوستان را به آنجا دعوت می‌کرد. بسیار کوشا بود و در همان روزها هم از کار روی زمین و سرزدن به گاوداری‌اش دست نمی‌کشید و ظهر که کارش تمام می‌شد، می‌آمد کنار مهمان‌ها می‌نشست. او باغی هم در محل خادر شاندیز داشت که دوستانش را به آنجا می‌برد. عکس‌هایی از آن زمان دارم؛ مثلا عکس مرحوم قهرمان در حال توت‌خوردن که آن را در فضای مجازی هم منتشر کردم.»

پای ثابت انجمن‌های شعری مشهد

می‌گویند او کسی بود که هیچ‌گاه در جلسات انجمن تأخیر نداشت و اگر روزی به دلایلی دیر می‌رسید، از جمع عذرخواهی می‌کرد. افضلی تعریف کرده است که باقرزاده در همه انجمن‌های مهم ادبی شرکت می‌کرده و خودش هم که به انجمن‌های قهرمان و فرخ و قلم رفت‌وآمد داشته، او را آنجا می‌دیده است. دکتر جواد میزبان، پژوهشگر ادبیات معاصر که ویراستار آثار او بوده، در گفت‌وگویی که پیش‌تر با شهرآرا داشته است، علی باقرزاده را ازجمله اعضای حلقه شاعرانی مانند مرحوم قهرمان و صاحبکار و فرخ و امثال آن‌ها معرفی می‌کند که در چند سال گذشته در حیطه شعر خراسان و شعر معاصر ایران جایگاه خوبی را برای خودش رقم زده بود: «مرحوم باقرزاده از دوران ابتدایی سرودن را آغاز می‌کند که اگر دیوان اشعارش را مرور کنید، می‌بینید او در انواع‌واقسام قالب‌های شعری طبع‌آزمایی کرده و سروده است. گرچه او شاعر خوش‌قریحه و خوش‌ذوقی بود، شعرش را نباید خالی از عیب دانست و درحقیقت آن‌چنان برجستگی‌ای که در آثار شاعران مطرح دیده می‌شود، کمتر در شعرهای او وجود داشت.

دست خیر هم داشت

باقرزاده زمانی که در هیئت امنای دانشگاه فردوسی مشهد و هیئت امنای هیئت مدیره بنیاد دانشگاهی فردوسی مسئولیت داشت، هیئت خیریه خوابگاه‌سازان را تأسیس کرد. اولین برنامه آن‌ها ساخت خوابگاهی برای پانصد دانشجوی دختر بود. همچنین از مایملک خود زمینی هزارمتری را به ساخت خوابگاهی برای متأهلان اختصاص داد و آن را نیز به کمک پسران خود در قالب شصت آپارتمان به پایان رساند. از دیگر کارهای باقرزاده ساخت دو مدرسه ابتدایی و راهنمایی در روستای «علاقه» و احداث دبستان و دبیرستانی به نام همسرش در منطقه ۵ مشهد و وقف کتابخانه ۳ هزار جلدی خودش به آستان قدس رضوی است.

مردی با حافظه‌ای درخشان

یکی از ویژگی های شاخص و به چشم آمدنی باقرزاده، حافظه درخشان او بوده است. افضلی جایی در کتاب «شناخت‌نامه محمد قهرمان» نوشته است: «علی باقرزاده (بقا) دارای حافظه‌ای قوی است و دریادآوری زندگی شاعران و تاریخ ادبیات و در سرایش شعر و نظم به‌ویژه در قالب قطعه ید طولایی دارد.»



از راست به چپ: علی باقرزاده (بقا)، محمد قهرمان، احمد کمال‌پور، مهدی اخوان ثالث

آثار بقا

بقا در قالب‌های مختلف شعر سروده بود، اما به تبحر در قطعه‌سرایی شهره بود. برخی کتاب‌هایی که از او در شعر و سفرنامه و... برجا مانده، عبارت است از «قطعه‌ها (سروده‌هایی در پند، تاریخ، جغرافیا، حکمت، داستان، عشق، طنز، گفتار بزرگان و...)»، «لطیفه‌ها»، «چهل گوهر ناب»، «پنجاه‌ودو سال سیر آفاق»، «بزم محبت (مدایح، مراثی و کلمات ائمه اطهار(ع))»، که بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۹۰ به چاپ رسید.

علی باقرزاده ۱۱ تیر ۱۳۰۸ در مشهد متولد شد و ۱۹ آذر ۱۳۹۵ در زادگاهش از دنیا رفت و روز بعد با بدرقه اهل شعر و ادب و فرهنگ در مقبرة‌الشعرای توس در جوار فردوسی به خاک سپرده شد.

*برای نوشتن این مطلب از گزارشی با عنوان «مروری بر زندگی علی باقرزاده، قطعه سرای برجسته خراسانی» منتشر شده در شهرآرا محله (ضمیمه روزنامه شهرآرا) و گزارشی با عنوان «من آن دیرآشنای زودرنجم» در روزنامه شهرآرا استفاده شده است.

«بارکش دیوانه‌ها»، تأملات یک زندانی

رادمنش

نوبرانه

قاسم صنعوی، مترجم خوش‌نام و کهنه‌کار مشهدی، در تازه‌ترین ترجمه‌اش، کارلوس لیسکانو، یکی از مهم‌ترین نویسندگان اهل اروگوئه را برای نخستین بار به مخاطبان فارسی‌زبان معرفی کرده است.

«بارکش دیوانه‌ها» روایت شخصی نویسنده است از حبس سیزده‌ساله‌اش و شکنجه‌هایی که دیده و آنچه بر او و هم‌بندانش رفته است. «در زندان، شکنجه‌ها، تحقیرها، شرم، روابط عجیبی را که قربانیان و جلادان را به هم پیوند می‌داد، پوچی نظامی را تحمل کرد که می‌خواست او را وادار به اعتراف به چیزی کند که زندانی از آن بی‌خبر بود. اما همچنین پایداری در همه موارد، دوستی زوال‌ناپذیری که بین یاران تیره‌روز پدید می‌آید، و قدرت رهایی‌بخش نوشتن را به چنگ آورد.»*

این اثر شهادت‌نامه لیسکانو است و تأملی درباره انسان و اشتهای خاموش‌نشدنی او برای زندگی، درخواستی است برای حق کرامت انسانی و چیزهایی بیش از این.

کارلوس لیسکانو روزنامه‌نگار، نویسنده، شاعر، نمایشنامه‌نویس در ۱۸ مارس ۱۹۴۹ در مونته‌ویدئو، پایتخت اروگوئه به دنیا آمد و چندی پیش، یعنی ۲۵ مه ۲۰۲۳ درگذشت. در جوانی به گروه توپامارو (یا جنبش رهایی ناسیونال توپامارو) پیوست که جنبشی سیاسی و افراطی بود. در ۱۹۷۲ بازداشت شد و دادگاه رژیم نظامی ۱۳ سال حبس برایش برید. ۲۳ ساله وارد زندان شد و ۳۶ ساله از آن بیرون آمد.

نوشتن را از همان وقتی که در بند بود آغاز کرد. پس از آزادی به سوئد رفت و حدود یک دهه و تا سال ۱۹۹۶ در آنجا زندگی کرد. برای امرار معاش در غربت، نظافتچی یک بیمارستان روانی شد، زبان اسپانیایی و ریاضی درس داد و مترجمی کرد. پس از بازگشت به کشورش استاد دانشگاه شد، کارگاه‌های ادبی برگزار کرد، در سال ۲۰۰۹ به عنوان معاون وزیر فرهنگ منصوب شد، از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ مدیر کتابخانه ملی اروگوئه بود.

آثارش به زبان های مختلف از جمله انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، پرتغالی، عربی و به تازگی به فارسی ترجمه شده است. «بارکش دیوانه ها» که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، برای او جایزه بهترین روایت را به ارمغان آورد.

اثر زندگی نامه ای «بارکش دیوانه ها» را نشر هوما و نشر قطره در ۱۲۲ صفحه به چاپ رسانیده اند.

برشی از کتاب

«بیست‌وسه سال دارم. نمی‌دانم در چه روزی هستم، چه ساعتی است. می‌دانم که شب است و دیروقت. می‌آیند تا من را از اتاق شکنجه که در طبقه همکف، سمت چپ پلکان است برگردانند. صدای فریادها شنیده می‌شود.

...یگانه چیزی که از پیکرم در زیر شکنجه توانستم طلب کنم این است که روزی به من اجازه دهد که از روبه‌رو با شایستگی به آن نگاه کنم.

زندگی گذشته است، و هیچ چیز آن چنان که ما می‌گفتیم نبوده. زندانی بود، شکنجه بود، و هزاران مرده بودند.»



*از مقدمه ترجمه فارسی

شهرآرا
اشنبه
۱۱ تیر ۱۴۰۲
۱۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۴
شماره ۳۹۷۷
SHAHRARANEWS.IR